

**Abstract**

Iran and Pakistan, as two important players in Southwest Asia, with their vast common borders, play an important role in regional and international developments. Political and geostrategic circumstances between Iran and Pakistan, despite differences in interests and political perspectives on regional and global issues, have led to a close relationship between the two countries, in which the component of commercial and port capacities of Gwadar and Chabahar plays a decisive role. Considering the importance of the impact of these two ports in the international relations between the two countries and the great impact, they have on the growth and development of their surrounding areas, in the present study with the descriptive-analytical method, we explain the strategic capacities of the two ports in the development of peripheral areas and the growth of convergence in the relations between Iran, Pakistan, and the region, and analyze the opportunities and challenges ahead in achieving a strategy based on solidarity and convergence in the relations between the two countries. The present study seeks to answer the fundamental question that what effect do the strategic capacities of Chabahar and Gwadar ports have on the mutual relations between Pakistan and Iran? It seems that the flourishing of strategic capacities of Chabahar and Gwadar ports in the field of services, transit, economy, and increasing convergence and regional solidarity between the two ports and thus increasing the level of services and transit and revenue of the two regions, has a direct impact on the development of increasing the economic capacity of the deprived areas of the two ports, as well as the quantitative and qualitative expansion of Pakistan-Iran relation.

**Keywords:** Geopolitics, Geoeconomics, Convergence, Chabahar, Gwadar.

تبیین ظرفیت‌های راهبردی بنادر چابهار و گوادر و تاثیر آن بر روابط متقابل پاکستان و ایران (2010-2020م)

قاسم اربابی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: 1401/4/10

رحمت حاجی مینه<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: 1401/6/7

یاسر کهرازه<sup>۳</sup>

## چکیده

ایران و پاکستان از کشورهای مهمی هستند که نقشی اساسی در منطقه بازی می‌کنند، که با داشتن مرزهای مشترک گسترده، نقش مهمی در تحولات منطقه ای و بین المللی ایفا می‌کنند. اقتضات سیاسی و ژئواستراتژیکی میان دو کشور ایران و پاکستان علی‌رغم وجود تضاد در منفعت‌ها و دورنمای سیاسی درباره مسائل منطقه ای و جهانی، سبب پیدایش رابطه‌ی نزدیک میان دو کشور شده است که در این میان، موافقه ظرفیت‌های تجاری و بندری بنادر گوادر و چابهار نقش تعیین کننده ای در توسعه این روابط دارد. با توجه به اهمیت تاثیر این دو بندر در مناسبات بین المللی دو کشور و تأثیر به سزائی که در رشد و توسعه مناطق پیرامونی خود دارند، در تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به تبیین ظرفیت‌های راهبردی دو بندر در توسعه مناطق پیرامونی و همچنین رشد تقارب و هم‌سویی در ارتباطات دو کشور پاکستان و ایران و منطقه خواهیم پرداخت و فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو در دستیابی به راهبردی مبتنی بر همبستگی و همگرایی در مناسبات دو کشور را مورد تحلیل قرار خواهیم داد. در این مقاله سعی بر آن است تا به این سوال اساسی پاسخ دهیم که ظرفیت‌های بندرهای گوادر و چابهار چه تاثیری بر روابط متقابل پاکستان و ایران دارد؟ بنظر می‌رسد شکوفاتی ظرفیت‌های راهبردی بنادر چابهار و گوادر در حوزه خدماتی، ترانزیتی، اقتصادی و افزایش همگرایی و همبستگی منطقه‌ای بین دو بندر و در نتیجه افزایش سطح خدمات و ترانزیت و درآمد دو منطقه، تاثیر مستقیمی بر توسعه افزایش ظرفیت‌های اقتصادی مناطق محروم دو بندر و همچنین گسترش کمی و کیفی روابط پاکستان و ایران دارد.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، همگرایی، چابهار، گوادر.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. [gasemarbabiii@gmail.com](mailto:gasemarbabiii@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار روابط بین الملل، گروه ارتباطات و علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). [r.hajimineh@gmail.com](mailto:r.hajimineh@gmail.com)

<sup>۳</sup> استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

موقعیت خاص جمهوری اسلامی ایران به سان یک راه ارتباطی میان آسیا-اروپا و شمال- جنوب، نقش کلیدی و مهمی را در نقل و انتقالات کالا و خدمات از راه ترابری برای ایران مهیا ساخته است که در این بین، بندرهای کشورمان نقش بی بدیلی را در تثبیت و تقویت جایگاه ایران به عنوان پل ارتباطی کریدور شمال- جنوب و آسیا-اروپا از راه عرضه خدمات ترابری و جابه جایی کالا بر عهده داشته اند. از اساسی ترین علل مؤثر در فرایند توسعه این بندر، حضور بندر گوادر در کشور پاکستان در قرابت بندر چابهار است که با برنامه های توسعه ای و سرمایه گذاری های بین المللی مخصوصا چین نقشی اساسی در بالا بردن ظرفیت های ترانزیتی پاکستان و کشورهای همجوار می تواند بازی کند.

بسط گسترده مبادلات بازرگانی- تجاری ایران با بهره وری از استعداد های نهفته بومی از راه حمل و نقل باید یکی از با اهمیت ترین نقشه ها باشد، لکن موقعیت توسعه نیافته این منطقه وقتی دلخراش تر می گردد که دریابیم کمی آن طرف تر، پاکستان به مدد کشور چین با شتاب در حال سرمایه گذاری و گسترش بندر "گوادر" می باشد تا از فرصت های نهفته برای مهیا کردن مصالح ملی بیشترین بهره برداری را نماید. در این راه، ایجاد راه آهن و سایر راه ها به طول 1000 کیلومتر از این بندر به کشورهای منطقه و اسکله های 200 هزار تنی، تنها بخشی از این طرح است. تاکنون سرمایه گذاری های خارجی کلانی جذب این کار شده و شرکت های بین المللی متعددی به این منطقه آمده اند تا توسعه گوادر سرعت بگیرد. این در حالی است که گستردگی ارتباطی و پوشش جغرافیایی وسیع بندر چابهار در کنار نزدیکی به بندر گوادر برای تامین نیازها و صادرات کالاهای کشورهای قفقاز، روسیه و ... از طریق این بنادر با کشورهای دیگر و بالعکس، می توان گفت که رشد و توسعه فعالیت این بنادر در گرو همکاری و اشتراک امکانات طبیعی، لجستیک هر دو کشور می تواند شکوفا شود، در این میان با توجه به کریدور اقتصادی چین- پاکستان که تا بندر گوادر در حال احداث و تکمیل می باشد، پیشنهاد تاسیس راه آهن میان بندر گوادر و بندر چابهار را به مقامات پاکستانی از طرف مقامات ایرانی نیز حاکی از تلاش و اشتراک نظر دو کشور در بهره گیری از امکانات یکدیگر برای توسعه و بهره مندی مشترک از پتانسیل های اقتصادی فی مابین می باشد. در همین راستا حمیدرضا محمدی و ابراهیم احمدی (1397) در مقاله « موازنه گری در سیاست های ژئوپلیتیکی هند (با تأکید بر نقش و جایگاه بندر چابهار ایران) معتقدند که اماکن جغرافیایی زمانی در نظر بازیگران سیاسی سودمند به نظر می آیند، که از جهت ارزش (سیاسی، راهبردی، اقتصادی و جغرافیایی) مولد قدرت باشند؛ به بیان دیگر به موجب وزن ژئوپلیتیکی که از آن بهره مند هستند بقادر باشند احتیاجات اساسی آن بازیگر سیاسی را تأمین کنند. همچنین یاسر کهرازه سعید و ثوقی و مهناز گودرزی (1397) در مقاله ای با عنوان «روابط ایران و پاکستان؛ ضرورت ژئوپلیتیکی و امنیتی کردن ساختاری در سیاست خارجی منطقه ای» بر این باورند که عوامل و بسترهای بوجود آورنده روابط ایران و پاکستان و چالش آمیز بودن این رابطه مبنای جهت گیری منطقه ای مختلف هر یک از این دو کشور برله یا علیه یکدیگر بوده است. یاسر کهرازه، سعید و ثوقی، حسین مسعودنیا و مهناز گودرزی (1396) در مقاله خود با عنوان «کشمکش های امنیتی روابط ایران و پاکستان در منطقه بلوچستان بعد از 11 سپتامبر» اعتقاد دارند که ابه وجود آوردن روابط خوب با همسایه شرقی ایران پاکستان، همیشه از دغدغه های سرپرستان و مقامات ایران بوده است. عطااله عبدی و ناصر رجب نژاد (1396) تحقیقی تحت عنوان « بیان بازتاب های ژئوپلیتیکی سرمایه گذاری چین، در گوادر بر بندر چابهار » نگاشته

اند. آن‌ها بر این باورند که چین به عنوان یک قدرت نو پیدا در جهان در صحنه هم‌اوردی با قدرتهای رقیب خویش در سعی می‌کند با سرمایه‌گذاری در مناطقی مانند گوادر از محدودیت‌های رسانی و ژئوپلیتیکی آزاد شده و به استیلای خویش در جولانگاه اقتصاد جهانی ادامه دهد.

لذا در پژوهش حاضر با عطف به مولفه‌های فوق‌ونگاه راهبردی هر دو کشور برای تامین نیازهای بازارهای کشورهای مختلف از طریق بنادر آزاد خود، لزوم پژوهشی جامع در حوزه شناخت ماهیت وجودی این بنادر در ایران و پاکستان در مرحله اول و بررسی عملکرد و کیفیت توسعه آنها و تاثیر آن بر همگرایی مناسبات با توجه به مولفه‌های تاثیرگذار سیاسی-اقتصادی دو کشور پاکستان و ایران در گام بعدی و همچنین تاثیر نقش عوامل خارجی موثر بر عملکرد دو بندر فوق‌را پیش از پیش‌ضروری می‌نماید که با عطف بدان‌ها به پرسش اصلی پژوهش حاضر مبتنی بر اینکه « وسعت راهبردی بندرهای گوادر و چابهار چه تاثیری بر روابط متقابل پاکستان و ایران دارند؟ » در این پژوهش بنا به بضاعت علمی پژوهشگر بدان پرداخته تا مورد بررسی و واکاوی بیشتر قرار گیرد.

### چارچوب نظری تحقیق نظریه راهبردی تحقیق (همگرایی در روابط بین‌الملل)

متفکران همسویی، روابط اقتصادی، ارتباطات غیرسیاسی را به جای فطرت ستیزآمیز، مرکز و اساس رهیافت همسویی نهادند. این تئوری پس از اتمام جنگ سرد در جولانگاه ارتباطات جهانی مطالعه شد. براساس این تئوری دولت‌ها به درخواست خود قسمتی از قدرت خویش را، در راه رسیدن به هدف‌های مشترک و مصالح برتر، به یک بنیاد فوق‌ملی تفویض خواهند کرد. یکی از هدف‌های اصلی در پژوهش‌های جهانی، مشخص کردن و تحلیل قوایی می‌باشد که در ابه وجود آوردن مراقت، ائتلاف و همبستگی جوامع نقش بازی کنند (همان: 20). ارنست هاس این‌گونه به تعریف همگرایی می‌پردازد: روندی که طی آن رهبران سیاسی چندین کشور مجاب می‌شوند که صداقت، خواسته‌ها و اقدامات سیاسی ایشان به سوی مرکزی نوین که بنیادهایش دارای قدرت رسمی یا خواستار اختیارات رسمی دولت - ملت‌ها باشد، سوق داده شوند. (سیف‌زاده، 1384: 19). (کیانی و همکاران، 1398)

بعضی همسویی‌ها دو جنبه مثبت و منفی دارند. به طوری که همسویی منفی، به سیاست‌های برطرف کردن تبعیض و مالیات گمرکی و همسویی مثبت به تالیف و اجرا کردن سیاست‌های موافق ارتباط دارد (کولایی، 1377: 11). در بعد مثبت کشورهای که دارای تولید داخلی سست هستند، بیشتر ضرر می‌کنند تا کشورهایی که اقتصاد قدرتمند دارند. (کیانی و همکاران، 1398) نای و کوهین در تحقیقی در سال 1975م. معنی رابطه دو طرفه جهانی و همسویی را گسترش دادند. ارنست هاس در سال 1975، به مطالعه کتاب رژیم‌ها و نهادگرایی منطقه‌ای پرداخت و تحت تأثیر آن قرار گرفت. (عسگرخانی، 1381: 188).

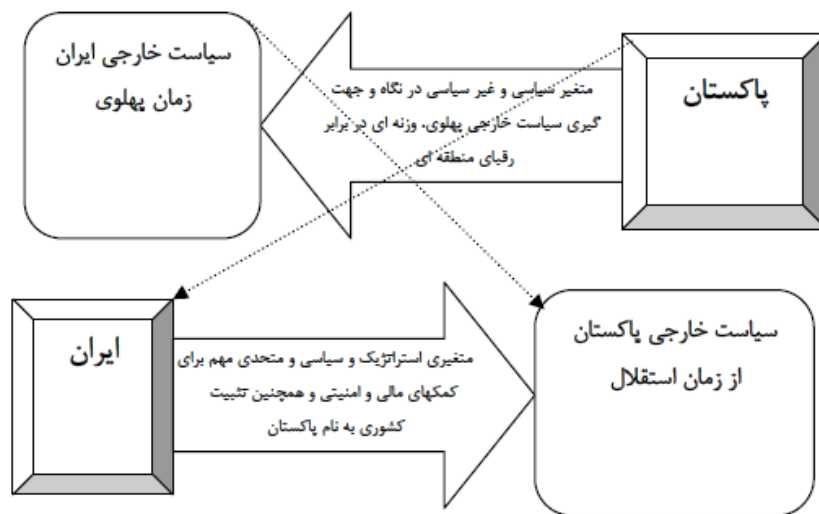
### پیشینه روابط ایران و پاکستان

#### پیش از انقلاب اسلامی

پاکستان برای ایران قبل از انقلاب، موضوعی غیرامنیتی و سپس امنیتی و سیاسی شده بود. به رسمیت شناخته شدن پاکستان توسط ایران و استفاده از این کشور به عنوان وزنه‌ای در برابر هند و دیگر رقبای منطقه‌ای ایران از جمله عوامل مهمی بود که حکومت پهلوی را وادار به شناسایی پاکستان به عنوان دولت - ملتی جدید کرد. در ابتدای تشکیل پاکستان، این کشور با توجه به تحریم آن از سوی هند و برخی دیگر از کشورهای منطقه و عدم شناسایی آن، به متحدان جدیدی نیاز داشت تا از این کشور تازه تأسیس جدا شده از هند حمایت کنند. بر همین مبنا ایران زمان پهلوی برای پاکستان حکم متعهدی قوی و ثروتمند را داشت و بر

همین اساس نگاه ایران به پاکستان نگاهی ابزاری و از بالا به پایین بود و موضوع پاکستان در ساختار سیاست خارجی پهلوی موضوعی غیراستراتژیک و ثانویه بود.

اما برای پاکستان تازه تأسیس شده، ایران از جمله کشورهای استراتژیک و تاثیرگذار بود که به فرآیند استقلال و تثبیت این کشور کمک فراوانی کرد. کمک های مالی و امنیتی مختلف پهلوی به این کشور و همچنین کمک به فرآیند ساخت یابی سیاسی و بین المللی آن، پاکستانی ها را به این نتیجه رسانده بود که ایران شریک مهم و استراتژیکی برای این کشور است. حتی در جنگ ۱۹۷۱ میان پاکستان و هند بر سر جدایی پاکستان شرقی (بنگلادش فعلی) ایران، پاکستان را از نظر سخت افزارهای نظامی، اطلاعاتی و لجستیکی یاری داد (20-18. 2015, Vatanka)



شکل 1- متغیرهای تعیین کننده ارتباطات پاکستان و ایران قبل از انقلاب اسلامی

در اوایل سال 1353 هـ.ش، نیروهای پاکستان عملیات نظامی گسترده‌ای را در بلوچستان انجام دادند، طبق بیانیه وزارت دفاع پاکستان بیش از 241 شورش در این سلسله عملیات نظامی کشته شدند (اطلاعات، 1353/7/28: 2). در اردیبهشت 1353 هـ.ش، بوتو، نخست‌وزیر پاکستان، اظهار کرد که با وجود گستره عملیات، بحران پاکستان کاملاً رفع نشده است (همان، 1353/2/9: 2). در نتیجه، جنگ و گریز پراکنده در کرانه مرزهای شرقی ایران ادامه یافت؛ چنانکه ارتش پاکستان ناچار به استفاده از نیروی هوایی و بمباران مراکز شورشیان بلوچ در مناطق صعب‌العبور در مهر آن سال گردید (همان، 1353/7/4: 2 و 1353/7/6: 2). دولت شاهنشاهی ایران ضمن حمایت از تحولات مزبور و تمامیت ارضی پاکستان، تأسیس گروه‌های مرکز گریز را سیاست شوروی، مصر و بغداد در فشار بر دولت‌های محافظه‌کار منطقه دانست. در یازدهم و دوازدهم فروردین 1353 هـ.ش، مقامات ایران در دیدار با هیأت پاکستانی عزم خود را برای حمایت اقتصادی از اسلام‌آباد با اعطای وام اعلام نمودند. این کمک‌ها، که به قول رابرت مک نامارا، وزیر دفاع آمریکا، حالت طرح مارشال پس از جنگ جهانی دوم را داشت، به گفته مقامات ایران برای پشتیبانی از استقلال و تمامیت ارضی پاکستان و تثبیت مرزهای شرقی دولت شاهنشاهی اعطا می‌گردید (همان، 1353/1/11: 1 و 6 و 1353/1/12: 1). در دیدار ذوالفقار علی بوتو با شاه در جزیره کیش در هشتم فروردین 1353 هـ.ش نیز بر همکاری نظامی و اقتصادی میان اسلام‌آباد و تهران تأکید شد (همان، 1353/1/8: 4). بر این اساس، ارتش ایران در سال 1353 هـ.ش / 1974 م برای پاکسازی و نابودی چریک‌های جدایی طلب بلوچ به ایالت بلوچستان

اعزام شد. این کار به کمک واحدهایی از کماندوهای گارد شاهنشاهی و دو اسکادران از هلی‌کوپترهای ترابری و تهاجمی هوانیروز بود و عملیات دو سال به طول انجامید. در اسفند 1355 ه.ش، اردشیر زاهدی، سفیر ایران در واشنگتن، ضمن سخنرانی در مجمع صنعتی امنیت ملی آمریکا آشکارا اعلام نمود که ایران با تجزیه‌طلبان پاکستان مبارزه خواهد کرد (همان: 1355: 4)؛ امری که پس از کشف مقادیر زیادی اسلحه ارسالی بغداد در کنسولگری عراق در کراچی پاکستان نمود بیشتری یافت. (مهدوی، 1368: 202).

همچنین ایران در خلال بحران‌های 1965 و 1971 م از پاکستان در برابر دهلی نو آشکارا حمایت نمود. ایران اقدام هند برضد پاکستان را در سال 1965 م تجاوز نامید و برای نخستین بار تعدادی از هواپیماهای نظامی خود را در اختیار ارتش پاکستان گذارد. در جنگ 1971 م نیز ایران برای حمایت از اسلام‌آباد، هواپیماهای مسافربری پاکستان را در خاک خود پناه داد (همان: 201) و تا مدت‌ها از به رسمیت شناختن بنگالادش خودداری نمود (فرزین‌نیا، 1373: 233). شاه در سفری که نخست‌وزیر پاکستان، به ایران در 21 اردیبهشت 1352 ه.ش / 11 مه 1973 م داشت با تأکید بر حمایت از اسلام‌آباد گفت: «یک بار دیگر تکرار می‌کنم که ما همواره در کنار شما خواهیم بود. ما ناگزیریم بگوییم آنچه برای همسایه شرقی ما، پاکستان، روی دهد اهمیت حیاتی برایمان دارد و اگر حادثه دیگری برای آن کشور اتفاق بیفتد، ما آن را تحمل نخواهیم کرد. دلیل این امر تنها داشتن احساسات برادرانه نسبت به شما به عنوان یک ملت مسلمان نیست، بلکه همچنین به خاطر منافع ایران است که نمی‌توانیم دگرگونی‌های دیگری را در پاکستان تحمل کنیم. کاملاً طبیعی است که چشمان خود را نسبت به هر جنبش جدایی طلب در کشور شما، خدای ناکرده، نخواهیم بست» (کریاسچی، 1371: 547). ارتشبد حسن طوفانیان، آجودان مخصوص شاه و رئیس اداره خرید و سفارشات خارجی صنایع نظامی ارتش شاهنشاهی، به طور مشخص در خاطرات خود به مسأله کمک‌های جنگ‌افزایی ایران به پاکستان اشاره نموده است (طوفانیان، 1381: 53-54).

ایران در کنار نزدیکی به دولت پاکستان، سیاست توسعه نفوذ و قدرت در اقیانوس هند را با جدیت دنبال نمود. بر این اساس شاه اعلام نمود که تهران حضور هیچ‌کدام از قدرت‌های بزرگ را در اقیانوس هند جایز نمی‌داند و معتقد است مسئولیت حفظ ثبات و امنیت این اقیانوس باید برعهده کشورهای حوزه اقیانوس هند باشد و ایده بی طرف ساختن و منطقه صلح شدن اقیانوس هند جامعه عمل بپوشد (اطلاعات، 1353/2/2: 2؛ فشتلیوس، 1359: 8). با احداث پایگاه دریایی چابهار، ایران توانایی نظارت بر 10 درجه عرض جغرافیایی اقیانوس هند را به دست آورد (فرید، 1354: 10). شاه نیز با دفاع از گسترش حضور خود در این منطقه اعلام کرد: «چرا از حضور خود در اقیانوس هند شرم داشته باشیم؟ ما به اندازه کافی حق داریم در اینجا باشیم و مسلماً بیش از همه کشورهای بیگانه» (اطلاعات، 1353/2/4: 1 و 5). شاه در جریان سفر خود به زلاندنو در مهر 1353 ه.ش نیز با تأکید بر قدرت اقتصادی خود و توانایی نقش‌آفرینی امنیتی بیشتر در اقیانوس هند اعلام کرد: «کشورهایی که در حیطه اقیانوس هند هستند باید توسط قدرت نظامی خود امنیت این منطقه را تضمین کنند. ما ثروتمند شدن را آغاز کرده‌ایم و در آینده ثروتمندتر خواهیم شد. ما برای کشورهای اطراف ایران برنامه کمکی اقتصادی تنظیم کرده‌ایم. به مصر یک میلیارد دلار داده و به پاکستان و هند نیز تقریباً به همان میزان کمک اعطا می‌کنیم» (همان، 1353/7/8: 1 و 4 و 1353/7/9: 1 و 13). پیرو این سیاست، ایران به هندوستان پیشنهاد همکاری نظامی برای تأمین امنیت اقیانوس هند را داد و سطح همکاری‌های میان ناوگان دریایی دو کشور در زمینه انجام مانورهای گوناگون، آموزش و استقرار در بندرگاه‌های دو طرف افزایش یافت (همان، 1353/7/10: 20).

با وجود اینکه روابط دوستانه پاکستان با حکومت پهلوی تا روزهای پایانی حکومت شاه ادامه یافت، دولت پاکستان از برقراری رابطه با انقلابیون ایران قبل از تأسیس جمهوری اسلامی ایران و فروپاشی رژیم شاه نیز مضایقه نکرد. (بیداله خانی و جوادی، 1391: 65)

وقوع دو تحول مهم در سال 1979، شرایط ژئوپلیتیکی حاکم بر منطقه را به طور بنیادین دچار تغییر و تحول نمود. ایالات متحده، دوست و متحد نزدیک خود یعنی ایران را از دست داد و در عوض شوروی، افغانستان را به دست آورد. به دلیل روابط نزدیک پاکستان با رژیم سابق ایران، انتقاد مطبوعات و رسانه‌های ایران از رژیم نظامی پاکستان، افزایش حمایت مالی امارات و عربستان از کشور پاکستان و نزدیکی نسبی عمان به این کشور و بالاخره رقابت پاکستان با ایران در زمینه یافتن راه حل برای مسئله افغانستان، موجب شد تا روابط دیپلماتیک میان دو کشور در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، تا سطح کاردار تنزل یابد. در این دوران ایران با اتخاذ سیاست‌های انقلابی و تجدیدنظرطلبانه و در پیش گرفتن سیاست نه شرقی و نه غربی، همسو با موازنه منفی از عضویت در سنتو و آرسی دی یعنی دو پیمان همسو با اهداف غرب خارج شد و در عوض عضو جنبش عدم تعهد شد.

با اهمیت‌ترین عامل در تشکیل پاکستان و استقلال آن از هند اسلام بوده است و از عوامل مهم وحدت این کشور می باشد. انقلاب اسلامی باعث شد تا رادیکال شدن اسلام در پاکستان شتاب بیشتری پیدا کند. در واکنش به انقلاب اسلامی ایران، منابع مالی کشورهای عربی به پاکستان سرازیر شد تا رادیکال شدن اسلام انقلابی را در پاکستان هم مرز با ایران سرعت بخشد. در اواخر دهه ۹۰ میلادی و با روی کار آمدن طالبان تحت حمایت اسلام آباد که ۹۰ درصد خاک افغانستان را در کنترل خود داشتند، رابطه پاکستان و ایران کم رنگ شد. حملات علیه شیعیان افغانستان و پاکستان نیز مزید بر علت شده (محمدی و احمدی، 1396: 310-312).

#### تأثیر بنادر چابهار و گوادر بر روابط راهبردی ایران و پاکستان

هر دو کشور ایران و پاکستان در این حوزه پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل زیادی برای تبدیل منطقه بلوچستان دو کشور به منطقه ای تجاری و توسعه یافته در منطقه دارندچرا که ایران به دلیل جمعیت فراوانی که دارد، ثبات سیاسی، منابع بالقوه اقتصادی و داشتن بیش‌ترین ساحل در خلیج فارس و مسلط بودن بر تنگه ی هرمز و توسعه روزافزون بندر اقیانوسی و همچنین متصل بودن به کشورهای آسیای مرکزی و دریای مازندران، مثل پلی است که سه قاره ی آسیا، اروپا و آفریقا را به هم متصل می‌کند. از دیگر سو کشور پاکستان، به خاطر نزدیک بودن به کشورهای خلیج فارس، به گسترش همکاری‌های خود برای جذب سرمایه ی کشورهای نفت خیز می‌پردازد. نزدیک بودن این پاکستان به دریای عمان و تنگه ی هرمز باعث شده تا پایگاه‌های هوایی و دریایی پاکستان در سواحل دریای عمان، بسیار با اهمیت باشد. در این رابطه برخی کارشناسان این دو بندر را به عنوان رقبایی برای هم مطرح می‌کنند و با مقایسه و بررسی اقدامات گسترده صورت گرفته و عملیات توسعه‌ای بندر شهر گوادر و همچنین مطالعه زیرساخت‌های بندری و مواصلاتی آن، نگاهی اجمالی به طرح توسعه این بندر داشته و سپس با مقایسه آن با زیرساخت‌های موجود در بندر چابهار (که دارای مزیت ترانزیتی یکسانی است)، گوشزد می‌گردد که اگر روند توسعه در بندر چابهار به همین شکل

و با کمترین سرعت پیش رود، بندر گوادر گوی سبقت را از بنادر ما می‌رباید. از مجموع سه کریدور ترانزیتی که کارشناسان حمل‌ونقل در سال 1993 در هلسینکی فنلاند تعیین کردند، دو کریدور شمالی- جنوبی و شرقی- غربی از ایران عبور می‌کند که از این نظر، بندر چابهار در استان سیستان و بلوچستان به‌عنوان شاهراه ارتباطی بین این دو کریدور، دارای مزیت‌های ترانزیتی فوق‌العاده‌ای است. این بندر مانند پلی میان کشورهای عضو اکو و آسه‌آن و سایر مناطق جهان برای ترانزیت کالا و صادرات و انرژی قرار گرفته است که موقعیت غیرقابل رقابت آن را در امر ترانزیت تثبیت می‌کند. مسیر چابهار از بین کریدورهای مختلف ارتباطی شمال- جنوب و شرق- غرب تجارت جهان، نزدیکترین و باصرفه‌ترین مسیر به کشورهای افغانستان و آسیای میانه است، ولی با وجود این مزیت‌ها و قابلیت‌های بی‌نظیر، نادیده گرفته شده است.

### ظرفیت‌های راهبردی بنادر چابهار و گوادر

#### بندر چابهار

بازمانده‌های تاریخی نشان دهنده این موضوع است که در این منطقه از بلوچستان دریانوردی بسیار رونق داشته و از لحاظ استراتژیک بسیار با اهمیت بوده و دولت‌های استعمارگر این بازارها را مکان مناسبی برای فروش کالاهای خود می‌دانستند و مسلط بودن بر روی آن‌ها را قسمتی از سیاست‌های خود به حساب می‌آورده‌اند. پارساپور، 1385: 32)

سواحل دریای مکران به علت موقعیتی که داشته‌اند و در خارج از خلیج فارس و تنگه هرمز قرار گرفته بوده‌اند، به میزان کمتری در تیررس تنش‌های موجود در منطقه بوده‌اند. همچنین این منطقه از لحاظ اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است (سازمان بنادر و دریانوردی چابهار، 1391).

بندر چابهار به دلیل جایگاهی که در دریای عمان دارد، کوتاه‌ترین راه مرتبط به بازارهای خلیج فارس، شرق آفریقا و دیگر نقاط جهان می‌باشد چابهار به علت این که کوتاه‌ترین راه رسیدن کشورهای محصور در خشکی به آب‌های آزاد می‌باشد بسیار اهمیت دارد (عزتی و شکری، 1391: 3).

دلیل دیگری که باعث شده است بندر چابهار دارای اهمیت فراوانی باشد، این است که آمریکا کشور هند را هم به منظومه امنیتی این منطقه اضافه کرده و سعی دارد از این راه باعث افزایش امنیت خویش در رسیدن به آب‌های آزاد اقیانوس هند در مقابل قدرت دریایی چین شود (Nye, 2017). همانطور که رابرت کاپلان دلیل می‌آورد که در صورت رسیدن ایران و هند در توسعه بندر چابهار به دستاورد مطلوب خود، بندر گوادر و کریدور چین و پاکستان و نیز منافع این دو کشور در آسیای مرکزی و افغانستان را به چالش خواهند کشید (Kaplan, 2017: 24).

#### بندر گوادر

مهم‌ترین رقیب برای چابهار گوادر پاکستان است. منافع‌های اقتصادی که بندر گوادر برای پاکستان به ارمغان می‌آورد باعث شده تا پاکستان به توسعه دادن بندر گوادر توجه بیشتری نشان دهد و این موضوع از سال 1999 آغاز شده است.

بلوچستان پاکستان دارای موقعیت ویژه‌ای جغرافیایی و سیاسی می‌باشد و با تشویق کشور چین برای این که در این بندر سرمایه‌گذاری کند، باعث رونق این منطقه شد و پاکستان هم در دریای عمان قدرت ویژه‌ای کسب کند. با این که بلوچستان پاکستان بسیار غنی و دارای وسعت زیادی می‌باشد اما متأسفانه در بین ایالت‌های کشور پاکستان از توسعه کمی برخوردار است و از نظر جمعیتی نیز بسیار ضعیف است. بندر گوادر



تا کراچی، 800 کیلومتر فاصله دارد. به علت آب و هوای گرم و خشک این بندر، دور بودن از مراکز اقتصادی و سیاسی پاکستان و توجه بیشتر به بندر کراچی و انجام بیشتر فعالیت های تجاری در این بندر، بندر گوادر کمتر توجه بالادستان پاکستان را به خود جلب کرده و از توسعه‌ی مورد توجهی برخوردار نشده است. ولی از سال 1995، به علت این که بندر گوادر دارای سواحل عمیق می‌باشد، توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. (سلطانی: 1381: 1)

### نتیجه‌گیری

با اهمیت‌ترین عامل مؤثر بر روابط پاکستان و ایران نقش سرمایه‌گذاری های خارجی در دو بندر گوادر و چابهار است. در چند سال گذشته کشورهایمانند افغانستان و هند سرمایه‌گذاری قابل‌پذیرشی را برای پیشرفت بندر چابهار و پسرانه‌های آن اجرا کرده‌اند، لیکن یقیناً ظرفیت های این منطقه برای سرمایه‌گذاری بیش از وضعیت کنونی است. با این وجود تحریم‌های موجود علیه ایران یکی از دلایلی است که کشورها و شرکت‌های مختلفی که می‌خواهند در بندر چابهار سرمایه‌گذاری انجام دهند را دچار تردید می‌کند و به همین دلیل آن‌ها محتاط هستند ولی تا به امروز نزدیک ۱۰ کشور منتظر سرمایه‌گذاری هستند. همچنین برخی قوانین بالادستی داخلی نیز به وضع محدودیت‌هایی برای سرمایه‌گذاری خارجی اقدام کرده‌اند و به همین خاطر سرمایه‌گذاران خارجی تلاش می‌کنند سرمایه‌گذاری‌هایشان را از راه ارتباطات ایرانی به انجام برسانند تا از سرمایه‌خود بهتر بهره ببرند زیرا قوانین داخلی ایران داری انعطاف مناسب برای سرمایه‌گذاری خارجی نمی‌باشد.

در کل عواملی وجود دارد که می‌تواند روابط بین دو کشور پاکستان و ایران را بهبود بخشند و در صورتی که به تقویت این عوامل پرداخته شود، رونق مناطق مرزی را به دنبال دارد و ناامنی در این مناطق دیده نمی‌شود. سئوالی که در این بین مطرح می‌شود این است که دلیل سرمایه‌گذاری هند در چابهار چیست؟ این موضوع بارها از طرف ایران اعلام شده است که چابهار منطقه ای است که از لحاظ تجاری آزاد است و از سرمایه‌گذاری تمام کشورها استقبال می‌کند و تنها هند نیست که از این امکان برخوردار است.

از طرفی کشور ایران گلايه ای از سرمایه‌گذاری کشورهای دیگر در پاکستان ندارد و حتی از پیشرفت پاکستان که کشور همسایه است استقبال می‌کند. همچنین همسایگی بین پاکستان و ایران و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران سبب شده تا کشور پاکستان در تأمین انرژی از ایران یاری بطلبد.

شکوفاتی ظرفیت راهبردی بنادر گوادر و چابهار در زمینه حمل و نقل، اقتصادی و خدماتی بر همسویی و اتحاد منطقه ای بین گوادر و چابهار تاثیرات مثبت می‌گذارد و در نتیجه سبب افزایش سطح حمل و نقل، درآمد و خدمات در دو بندر می‌گردد و این عوامل هم مستقیماً بر پیشرفت اقتصادی منطقه های بی بهره در بنادر گوادر و چابهار و روابط مثبت بین ایران و پاکستان تأثیر دارد.